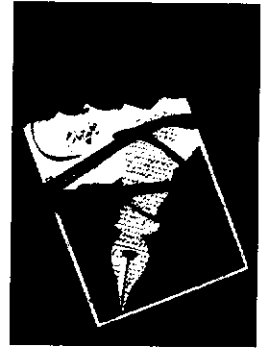


# آشنایی اجمالی با روزنامه قانون و مدیر آن میرزا ملکم خان ناظم الدوله

محمد صدرهاشمی

مرحوم محمد صدرهاشمی یکی از پیشگامان نگارش دایرة المعارف مطبوعات در ایران است که کتاب ارزشمند چهار جلدی او با نام «تاریخ جراید و مجلات ایران» زبان زد خاص و عام می‌باشد، که سال‌ها پیش توسط انتشارات کمال در اصفهان منتشر شده است. آن مرحوم در مجلد چهارم کتاب یاد شده (از صفحه ۶۹ تا صفحه ۱۰۲) ذیل حرف «ق» به معرفی روزنامه قانون و مدیر آن میرزا ملکم خان پرداخته است که مطالب او در این جا عیناً و با همان رسم الخط درج می‌شود.



روزنامه قانون به زبان فارسی به مدیریت (پرنس میرزا ملکم خان ناظم الدوله) در شهر لندن از بلاد انگلستان تأسیس و منتشر شده است. این روزنامه در سال ۱۳۰۷ قمری تأسیس و تا چند سال در لندن ماهی یک‌شماره از آن نشر شده ولی نظر بحملات سختی که

در آن به حکومت و شاه و وزراء ایران می‌کرد انتشار آن در ایران ممنوع گردید. روزنامه صوراسرافیل در شماره پنجم خود راجع به اهمیت این روزنامه می‌نویسد: «هر کس این جریده را خوانده می‌داند که از صدر اسلام تا به حال به زبان فارسی هیچ کس بدین فصاحت و سلاست که صرف معنی و زبان وقت باشد قلم روی کاغذ نگذاشته است.»

آقای عبدالحسین نوائی مقاله به عنوان (یک قسمت از شرح حال ملکم) در مجله یادگار نوشته و من جمله راجع به روزنامه قانون می‌نویسد: «شاید امروز کلمه قانون یعنی اسم این روزنامه چندان تازگی نداشته باشد ولی باید در نظر گرفت که این روزنامه در زمان ناصرالدین شاه یعنی دوره‌ای نوشته می‌شد که ادای لفظ قانون جرم شناخته می‌شد و سید جمال‌الدین اسدآبادی معروف را به همین جرم از ایران بیرون کردند و در حق او انواع توهین روا داشتند. من جمله او را (قانونی) خواندند. از حق نباید گذشت که مطالب روزنامه قانون سخت در اذهان مردم مؤثر واقع شد و پایه تخت استبداد ناصرالدین شاه را لرزاند. مطالب این روزنامه بسیار ساده و روان و عبارت بود از حملات سخت به وضع استبدادی عجیب و فجایع دربار سلطنتی ایران و تجاوزاتی که کارگزاران دولت به نام دربار و شاه و صدراعظم انجام می‌دادند. چون این سبک تحریر تا آن وقت سابقه نداشت، مردم رغبتی بخواندن آن ابراز کردند و چون دیدند که مطالبی برخلاف شاه و دربار و عمال دولت نوشته، این افسانه که شاه سایه خداست و اوامرش واجب‌الاطاعه است از ذهن آنان بیرون رفت و همین مقدمه‌ای شد برای جنبش مشروطه و واژگون ساختن کاخ استبداد.» در همین مقاله آقای نوائی درباره کیفیت انتشار اولین شماره روزنامه قانون قسمت‌هایی را از کتاب ملک آرا برادر ناصرالدین شاه که خود حاضر و ناظر قضیه بوده بدین قسم نقل می‌نماید:

«ملکم خان ... روزنامه‌ای مسمی به قانون در منزل خودش بیاسمه رسانده به جهت اشخاصی چند به طهران فرستاد. عریضه‌ای هم به شاه نوشته باسمه کرده در لف هر یک از نسخه‌های نمره اول صورت آن عریضه را باسمه کرده بود. یک نسخه هم برای شاه فرستاد. مضمون آن که چون مسموع شد قبله عالم ارواحنا فداء میل به اجرای قانون دارند، ما جماعتی از ایرانیان که در خارجه هستیم، قانونی به جهت ایران نوشته هر ماهی قدری از آن را چاپ کرده انتشار خواهیم داد. نمره اول آن را به حضور مبارک فرستادیم هرگاه

# قانون

انسان . عدالت . ترقی .

نمبر اول  
شماره ۱۳۰۷  
مجله صدور این جریده در دفترخانه کمپانی انطباعات  
شرقی در کوچه لومبارد نمبر ۳۸ در لندن .  
قیمت اشتراک سالیانه  
یک لیره انگلیس

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم بدأنا باسمك العظيم . بعد الاتكال على عونك  
الكریم . بشار صحیفه "القانون" قانوناً لمبادئ  
المؤمنین . دستوراً مهدی بامره خیر المهتدین .  
فارشدا وایامه الی سرا االرشاد المستقیم . وانر  
عقلنا بسرائ العلم السليم . لتسلک فی مساج العدل  
والانصافه . ونحفظ بختامة الصالحین يوم التیامه .

جمع کثیر از خلق ایران به چندین سبب خود را  
از وطن مألوف بیرون کشیده در ممالک خارجه  
مستقر شده اند . در میان این مهاجرین متفرقه  
این اشخاص با شعور که ترقی خارجه را با اوضاع  
ایران تطبیق میکنند سانها در این فکر بودند که آیا  
چچه تدبیر می توان بای بیچارگان که در ایران گرفتار  
مانده اند جزئی امدادی برسانند . پس از تفحص و  
تفکر زیاد براین عقیده متفق شدند که چچه نجات  
وترقی خلق ایران بهتر از یک روزنامه آزاد هیچ  
اسباب نمی توان تصور کرد .

آن چند نفر اشخاص وطن پرست که معنی و  
تدبیر روزنامه نجات را درست فهمیده اند در این  
چهار پنج سال بیست عزم مردانه افتادند با طرف دنیا  
و بهر وسیله چه باصرار چه بالتماس و چه بگدائی  
از دولتخواهان ایران و اروپای کرم و طالبان ترقی  
آشنایان را فر جمع نمودند و بدون ایی این روزها  
یکت کمپانی معتبری تریب دادند باین عزم مبارک

که از اطراف ایران بقدری که بتوانند روزنامه نجات  
و کتابهای مفید انتشار بدهند که از آن جمله  
یکی همین جریده قانون است .

ایران معلوم است از نعمات خداداد .  
چیزی که همه این نعمات را باطل گذاشته نبوده  
قانون است .  
هرچس در ایران مالک هیچ چیز نیست زیرا که  
قانون نیست .

حاکم تعیین میکنیم بدون قانون . مرتزب معزول  
میکنیم بدون قانون . حقوق دولت را مفروشیم  
بدون قانون . بندگان خدا را حبس میکنیم بدون  
قانون . خزانه می بخشیم بدون قانون . شکم پاره  
میکنیم بدون قانون .

در هند در پاریس در تفریس در مصر در  
اسلامبول حتی در میان ترکمن هرکس میداند که  
حقوق و وظایف او چیست .  
در ایران احدی نیست که بداند تقصیر چیست  
و خدمت کدام .

فلان مسجد را چچه قانون اخراج کردند .  
مرا حجب فلان مرتزب را چچه قانون قطع نمودند .  
فلان وزیر یکدام قانون مفسوب شد .  
فلان سفیه چچه قانون خلعت پوشید .  
هیچ امیر و هیچ شاهزاده نیست که از شره  
زندگی خود بقدر ظلمان سفرای خارجه اطمینان  
داشته باشد .

آشنائی اجمالی با روزنامه قانون و مدبر آن سیزده ملک خان ناظم الدوله

پسندیده است مشغول کار باشیم والا موقوف داریم.» آقای نوائی دنباله مطلب را این طور می نویسد: «مضمون نسخه اول منحصرأ مذمت بسیار بود از وضع سلطنت ایران و صورت نوشته جات مملو بود از شکایت از امین السلطان و حکام شاه و تشویق و ترغیب مردم ایران بود به آزادی و ترتیب مجلس شورای ملی و بر هم زدن سلطنت مستقله و خارج شدن از قید عبودیت و این که نباید خلق یک مملکت تابع رأی و میل یک نفر باشند که هر چه بخواهد بکند و شرح مجالس شب و هرزگی های امین السلطان و این که در سر سفره خورش فسنجان را مثل حنا بریش همدیگر می مالند و وضع رسیدگی او به عرایض مردم و این که وقت کامل از غیظ به خودش فحش می دهد و دودرع از جا می جهد و یقه خود را پاره می کند و از این مقوله بود.

استبداد عجیب ناصرالدین شاه که به طول مدت به غرور و خودخواهی شدید آمیخته شده بود با مطالب این روزنامه چندان سازش نداشت، بلکه هم چنان که ملک آرا نوشته در همان شماره اول صحبت از مجلس شورای ملی و محدود کردن اختیارات شاه و عمال او بود. به همین جهت ناصرالدین شاه ورود این روزنامه را به ایران غدغن کرد ولی آزادی خواهان و کسانی که از دست دربار استبداد دلی پر خون داشتند، این روزنامه را به هر طور بود تهیه می کردند و در مجامع مخفی برای دوستان و هم مسلکان خود می خواندند وقتی به ناصرالدین شاه خبر دادند که مجمعی از آزادی خواهان تشکیل شده و روزنامه قانون از این جا به اطراف منتشر می شود، بلافاصله انجمن را محاصره و غارت نمودند و افرادش را که بالغ بر دوازده نفر می شدند اسیر نمودند و در خانه کامران میرزای نایب السلطنه حبس کردند. یکی از آنان به نام حاج سیاح محلاتی (پدر آقای حمید سیاح) خود را از بالا خانه پرت کرد و پایش شکست. روزنامه قانون تا سال ۱۳۲۵ قمری بدون ترتیب گاه گاهی منتشر می شد.»

این بود شرحی که آقای عبدالحسین نوائی راجع به روزنامه قانون در ضمن شرح حال ملکم نوشته است. ضمناً نامبرده اضافه می کند که ملکم در نوشتن این روزنامه آلت و واسطه ای بیش نبوده و بلکه انگلیسی ها چون به امین السلطان، صدر اعظم ناصرالدین شاه که شدیداً به سیاست تزار روس تمایل نشان می داد، میانه خوبی نداشتند می خواستند به دست ملکم و با روزنامه قانون از شاه و دربار انتقام گیرند. ولی به هر صورت روزنامه

قانون اثر خود را در بیداری مردم به خرج داد و در آگاه ساختن آنان به طرز کار و فکر اولیاء دولت تأثیر و اهمیت فراوان داشت.

درباره تأسیس و انتشار روزنامه قانون در لندن بعضی آن را مربوط به لغو امتیاز (کازینو) دانسته و شرح آن را این طور بیان می کنند که در سال ۱۳۰۶ قمری که ناصرالدین شاه برای بار سوم به اروپا سفر کرد امتیاز کازینو که در طهران تأسیس شود به ملکم خان وزیر مختار ایران، در لندن، داد و چون خبر این امتیاز به صدر اعظم، امین السلطان رسید سخت برآشفته و در صدد لغو آن برآمد و عاقبت پس از مذاکره با شاه و سفیر انگلیس در طهران تلگرافی لغو آن را به ملکم اطلاع داد. اما در این وقت ملکم امتیاز را به تاجری انگلیسی فروخته بود به مبلغ سی و پنج هزار لیره. این تاجر نیز علاوه بر دادن این مبلغ پول‌هایی برای تهیه مقدمات کار خرج کرده و هنگامی که عازم ایران بود خبر لغو امتیاز به او رسید. کار به محاکمه کشید. ملکم خان که از بدست آوردن امتیاز استفاده کلی کرده بود و حالا می باید آن استفاده را با چیزی اضافه پس بدهد خیلی عصبانی شده برای انتقام از اتابک روزنامه قانون را تأسیس کرد و در آن مقداری ترجمه از قوانین فرنگستان و مقداری تنفید از اوضاع و لزوم تغییر حکومت و مخصوصاً چند ستون نامه‌های جعلی به عنوان نامه‌های وارده از ایران که مفاد تمام آن‌ها هتاکی و ناسزا گوئی به اتابک و شرح خراب‌کاری‌های او و اطرافینش بود دروغ یاراست نوشته و نسخه‌های متعددی از آن به طهران فرستاد. این روزنامه به غیر از یک شماره که مستقیماً برای شاه فرستاده می شد بقیه شماره‌های آن در یک بسته برای حاج سیاح محلاتی و مسیو داوید خان که دعوی آزادی‌خواهی داشته و از مخالفین حکومت وقت بودند و با چند نفر از همفکران خود مجلس محرمانه در طهران ترتیب داده بودند ارسال می شد و به وسیله آن‌ها در طهران و بعضی شهرستان‌های دیگر منتشر می گردید.

وصول این روزنامه انعکاس عجیبی در طهران نمود و مطالب آن نسبت به شاه و صدراعظم خیلی زننده بود هیاهوی عجیبی ایجاد کرده بود شاه از مطالب روزنامه متغیر شده و حق هم داشت زیرا که به ملکم خیلی مهربانی کرده بود این بود که به صدر اعظم دستور داد تمام امتیازات و عناوین ملکم را سلب کند. اتابک هم همین کار را کرد و فوراً به وسیله تلگراف تمام امتیازات و مقام وزارت مختاری را از ملکم سلب نمود و به دولت

انگلستان هم مراتب را اطلاع داد و کاردار سفارت را در لندن مأمور کرد که موقتاً امور سفارت را اداره کند. ملکم خان از عمارت سفارت با سلب تمام عناوین خارج شد و از کرده خود پشیمان بود و در دادگاه هم با تاجر انگلیسی مشغول زد و خورد بود، مأمورین پلیس طهران نیز به زودی مرکز نشر روزنامه را در طهران کشف کرده مسیو داوید خان و حاج سیاح و ده نفر هم‌دستان آن‌ها را گرفته در خانه نایب‌السلطنه موقتاً زندانی نموده. حاج سیاح به قصد فرار خود را از بالاخانه پرتاب کرد و پایش شکست و دوباره او را گرفته پس از معالجه با یازده نفر دیگر تحت نظر بیست نفر سرباز مسلح به یک گاری سوار کرده به قزوین فرستادند این عده قریب شش ماه در قزوین بازداشت بودند و بعد از شش ماه آزاد شده هر یک به طرفی رفتند. پس از ذکر این قسمت به توضیح خصوصیات روزنامه قانون می‌پردازیم:

روزنامه قانون در چهار صفحه به قطع وزیری بزرگ با چاپ سربی مجموعاً ۲۴ شماره منتشر شده<sup>۱</sup> و جای تعجب است که در هیچ یک از ۲۴ شماره موجود تاریخ طبع و انتشار ندارد. از این رو معلوم نیست هر نمره آن در چه تاریخی منتشر شده است. طرز انتشار آن در عنوان روزنامه هفتگی معین شده و نوشته است (هفته یک نمره طبع و توزیع می‌شود) ولی هرگز این وعده عمل نشده و در مدت متجاوز از پانزده سال ۲۴ شماره نشر شده است. اسم روزنامه (قانون) در وسط عنوان نوشته شده و در زیر آن نام مؤسس (پرنس میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله) و در زیر نام مدیر کلمات (اتفاق عدالت - ترقی) چاپ شده و در طرف چپ عنوان روزنامه قیمت اشتراک سالیانه بدین قرار طبع گردیده است: «قیمت اشتراک سالیانه در طهران ۲۰ قران سایر ولایات داخله ۲۵ قران خارجه ۳۰ قران قیمت یک نسخه دو عباسی.» محل اداره قانون این قسم تعیین شده: «محل صدور این جریده در دفترخانه کمپانی انطباعات شرقی در کوچه لمبارد نمره ۳۸ در لندن. محل توزیع در طهران و تبریز کتابخانه تربیت.»

مقاله افتتاحی روزنامه به این خطبه عربی شروع می‌شود: «بسم الله الرحمن الرحيم اللهم بدأنا باسمك العظيم بعدالاتكال على عونك الكريم بنشر صحيفه القانون، قانوناً لعبادک المومنین و دستوراً يهتدى باصوله خير المهتدين فارشد ناو اياهم الى صراط الرشاد المستقيم و انور عقولنا بيزان العليم السليم لنسلک فى منهاج العدل و الاستقامه و

غظی بخاتمه الصالحین یوم القیامه. جمع کثیری از خلق ایران به چندین سبب خود را از وطن مالوف بیرون کشیده در ممالک خارجه متفرق شده‌اند. در میان این مهاجرین متفرقه آن اشخاص با شعور که ترقی خارجه را پا اوضاع ایران تطبیق می‌کنند سال‌ها در این فکر بودند که آیا به چه تدبیر می‌توان به این بیچارگان که در ایران گرفتار مانده‌اند جزئی امدادی برسانند. پس از تفحص و تفکر زیاد بر این عقیده متفق شدند که به جهت نجات و ترقی خلق ایران بهتر از روزنامه آزاد هیچ اسباب نمی‌توان تصور کرد آن چند نفر اشخاص وطن‌پرست که معنی قدرت روزنامه‌جات را درست فهمیده‌اند در این چهار پنج سال به یک عزم مردانه افتادند به اطراف دنیا و به هر وسیله به اصرار چه به التماس و چه به گدائی از دولتمردان ایران و ارباب کرم و طالبان ترقی اعانت‌های وافر جمع نمودند و بعون الهی این روزها یک کمپانی معتبری ترتیب دادند به این عزم مبارک که از آن اطراف ایران به قدری که بتوانند روزنامه‌جات و کتابچه‌های مفید انتشار بدهند که از آن جمله یکی همین جریده قانون است.»

پس از مقاله افتتاحی مذکور مقاله دیگری است که قسمت اول آن چنین است: «ایران مملو است از نعمات خداداد. چیزی که همه این نعمات را باطل گذاشته نبودن قانون است. هیچ‌کس در ایران مالک هیچ‌چیز نیست زیرا که قانون نیست. حاکم تعیین می‌کنیم بدون قانون، سرتیپ معزول می‌کنیم بدون قانون، حقوق دولت را می‌فروشیم بدون قانون، بندگان خدا را حبس می‌کنیم بدون قانون، خزانه می‌بخشیم بدون قانون، شکم پاره می‌کنیم بدون قانون ... و خلاصه این‌که تمام مندرجات شماره اول راجع به فواید و اهمیت قانون است. در انتهای صفحه چهارم شماره اول این سطر نوشته شده: «از این جریده قانون یک دفعه برای معتبرین یک نسخه مجاناً فرستاده می‌شود اگر قیمت سالیانه آن را نرسانند نسخه دیگر فرستاده نخواهد شد.»

نمره دوم روزنامه قانون به همان خصوصیات نمره اول چاپ شده و در نمره سوم در زیر قیمت اشتراک نوشته است، یک ذره غیرت. و دیگر از وجه اشتراک نوشته است. در همین شماره است که در صفحه سوم آن نوشته. «این جریده فقط از برای آدم نوشته می‌شود. کسانی که آدم نیستند نباید این اوراق را به بینند.» در شماره چهارم نامه ملکم خان مدیر روزنامه به ناصرالدین شاه درج شده و نامه مذکور به این جمله شروع می‌گردد:

«قبل از ظهور جریده قانون عریضه ذیل را به تاریخ غره رجب گذشته مستقیماً به خاک پای اعلی حضرت همایون شاهنشاهی فرستادیم. قربان خاک پای جواهراسای اقدس همایونت شویم. در این مدت چهل سال سلطنت هیچ قسم توجه شاهنشاهی در اصلاح امور ایران ثمری نبخشید با این فراغت طولانی و با همه اقدامات ملوکانه امروز ولایات ایران خراب تر. خلق ما مفلوک تر، لشگرها بی نظم تر، استقلال دولت کمتر، رنجش عامه بیشتر و خطرات انهدام نزدیکتر شده است...» یک قسمت عمده از مندرجات روزنامه قانون مقالات مؤثر و خواندنی است که به قلم مدیر روزنامه نوشته شده و قسمت دیگر آن مقالاتی است که از اطراف که راجع به شاه و بی عدالتی های او نوشته شده و پاسخ آن ها داده شده منتهی اسامی اشخاص با علامت اختصاری طبع گردیده بدین طریق:

### اجوبه:

ح ۱۰. فرستاده شد. وصول را همیشه اطلاع بدهید. م. ع. ظلمی که به شخص شما وارد بیاورند البته مختارید که ببخشید ولیکن ظلمی که جانوران دیوان بر یکی از اخوان آدمیت وارد بیاورند انتقام آن بر هر آدم واجب است. ا. ط. بعتبات زیادتر بفرستید. ا. د. حرف لاشخورها قابل اعتنا نیست. ش. م. آن دو فوق را هم از حالا فدوی آدمیت بدانید.

سر مقاله شماره ۲۴ قانون که آخرین شماره منتشره این روزنامه می باشد بدین قسم شروع می گردد: «سال گذشته از جانب یک مجمع عالی اعلام نامه مسمی به کلام در بعضی دوایر محرمانه انتشار یافت. چون تبلیغ آن معانی در بعضی دوایر دیگر این اوقات لازم شده اصل آن کلام مبارک را در این جا دوباره طبع می نمائیم بدیهی است که موکلین آدمیت متتهای دقت را به عمل خواهند آورد که مبادا این ودیعه شریف به دست کسانی بیفتد که از حلقه آدمیت خارج باشند.

### کلام

ما بیست و چهار نفر از امنای آدمیت به اقتضای یک ماموریت عظیمی در یکی از اقالیم مقدسه اسلام جمع شده مطالب ذیل را به هر یک از اولاد منتخبه ایران مستقیماً و محرمانه تبلیغ می نمائیم. این برادران روحانی ...

در سال ۱۳۲۵ قمری روزنامه قانون به دستیاری و همت آقای هاشم آقای ربیعزاده تبریزی در تهران تجدید طبع شده و به غیر از شماره اول در بقیه شماره ها کلمه (کپیه)



در عنوان روزنامه چاپ شده و نیز از شماره چهار به آن طرف مهر قرمزی مشتمل بر جملات زیر در سرلوحه روزنامه زده شده است: «قیمت یک نسخه ۵ شاهی. اشتراک سالیانه طهران ۲۰ قران. سایر ولایات ۲۵ قران. خارجه ۲۵ فرانک طهران. هاشم ربیع زاده.» آقای ربیع زاده در سال مذکور یک دوره کتب و رسائل پرنس ملکم خان را که مشتمل بر یازده رساله است طبع کرده و قیمت آن‌ها را با جلد ۱۵ قران و بدون جلد ۱۲ قران معین کرده است. این یازده رساله که در دو بیست و شصت صفحه طبع شده بدین قرار است: «اصول تمدن - حرف غریب - رساله غیبیه - رفیق و وزیر - شیخ و وزیر - پولتیک‌های دولتی - تنظیم لشکر و مجلس - سیاحی گوید - توفیق امانت اصول آدمیت - اصول مذهب دیوانیان.» در شماره ۱۱ روزنامه صور اسرافیل که خبر طبع یازده رساله را به عنوان (بشارت) چاپ کرده می‌نویسد: «ملت حق شناس ایران سال‌هاست اثر قلم و نتیجه افکار ایشان را مثل کاغذ زر دست به دست می‌برند و قدر و قیمت آن نسخ عالیه را به خوبی می‌دانند.» از این جا معلوم می‌شود روزنامه قانون و رساله‌های ملکم در آغاز مشروطیت ایران چه تأثیر و اهمیتی داشته است.

**میرزا ملکم خان ناظم الدوله** - شرح احوال میرزا ملکم خان در بسیاری از مجلات و جراید چاپ شده و اجمال آن اینست که وی پسر یکی از ارامنه جلفای اصفهان بود در سال ۱۲۴۶ در اصفهان متولد شد و مذهب اسلام را قبول کرد. در نتیجه مراقبت و زحمات پدرش مقدمات علمی را فراگرفت و برای تکمیل معلومات به پاریس اعزام گردید و معلومات متوسطه و عالیه را در آن جا فرا گرفت و در رشته حقوق علاقه خاصی ابراز می‌داشت. پس از بازگشت به ایران به سمت مترجمی مخصوص شاه انتخاب شد و به واسطه جلب اطمینان دربار از جریان سیاست مطلع بود، وقتی که فرخ خان امین‌الدوله به سفارت به اروپا می‌رفت میرزا ملکم خان به سمت مستشاری همراه او رفت و موفق به گردش و بازدید قسمت اعظم اروپا شد. آشنایی با تمدن غرب در مغز میرزا ملکم خان تأثیر محو ناشدنی بخشید و به همین مناسبت هم خواهان اصلاحات بود. مقام او در دربار باعث گردید که بالاخره به سفارت ایران در لندن منصوب گردد و بعداً در نتیجه اختلاف با صدر اعظم وقت و دربار مبعوض شاه واقع گشت و تمام امتیازات از او سلب گردید. ■

۱- البته طبق نسخه‌ی منتشر شده موجود توسط خانم همانا طبق، مجموعاً ۴۱ شماره از روزنامه قانون منتشر شده است و نه ۲۴ شماره.

یاد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

چریان منشی تحلیلی، خدیجه فارسی روزنامه قانون

قانون

کتابخانه - مجله - نشر